



## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) پیرامون تشدید تحریم‌ها، احتمال بروز جنگ و راه مقابله با آن

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

تنش و نزاع میان جمهوری اسلامی و دولت امپریالیستی آمریکا و متحدین وی در حالی بالا گرفته است که وضعیت اقتصادی و سیاسی رژیم به شدت وخیم است. بحران و رکود اقتصادی به حد کم سابقه‌ای تشدید گشته است. توقف و تعطیلی کارخانه‌ها، اخراج و بیکارسازی کارگران با شتاب فزاینده‌ای ادامه دارد. از اوایل سال جاری تا کنون صدها هزار کارگردرسراسرکشور اخراج شده و به صف هشت میلیونی بیکاران پیوسته اند. صدها هزار کارگر دیگر در یک قدمی اخراج و بیکاری قرار گرفته‌اند. بیکاری به معضل بزرگ جوانان و اکثریت خانواده‌ها تبدیل شده است. آزادسازی قیمت‌ها و اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال، سطح معیشت کارگران و عموم زحمتکشان را در معرض شدیدترین تهاجمات غارتگرانه قرار داده است. گرانی روزمره کالاها و خدمات مورد نیاز مردم و افسارگسیختگی افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم، دستمزدهای واقعی و قدرت خرید کارگران را به طرز وحشتناکی کاهش داده است. با دستمزدهای ماهانه، به زحمت می‌توان هزینه‌ها را تا یک هفته یک خانوار کارگری را تأمین کرد. این در حالی است که میلیون‌ها کارگر دیگر حتی از همین دستمزدهای ناچیز نیز محروم‌اند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با اجرای یک رشته سیاست‌های اقتصادی، فقر و بیکاری و گرسنگی کم‌نظیری را بر میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و اعضای خانواده آن‌ها تحمیل نموده و روزگار این اقشار زحمتکش و کم‌درآمد را، به معنای واقعی سیاه کرده است. معضلات اجتماعی ناشی از این وضعیت نیز افزایش یافته است. فقر و فلاکت و اعتیاد فوق‌العاده گسترش یافته است. فحشا و تن‌فروشی، پدیده کودکان کار و خیابانی، تجاوز، قتل، سرقت، ناامنی و معضلات دیگری از این دست به نحو کم‌سابقه‌ای افزایش یافته و مجموعه این معضلات، جامعه را به قهقرا سوق داده و اکثریت بزرگی از مردم زحمتکش و تهیدست را به تیره روزی افکنده است.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

بحران‌های سیاسی رژیم جمهوری اسلامی کمتر از بحران و رکود اقتصادی نیست. نزاع و کشمکش در بالاترین رده‌ها و نهادهای حکومتی پیوسته در حال افزایش است. رسوائی بیش از پیش رژیم در پی افشای پرونده‌های اختلاس چند هزار میلیاردی، بازتابی از تشدید این بحران و کشمکش درونی طبقه حاکم است. همپای تشدید بحران و رکود اقتصادی، بحران سیاسی و کشمکش و اختلاف باندهای حکومتی نیز تشدید گشته و کوشش‌های خامنه‌ای برای توقف این کشمکش‌ها بی‌نتیجه مانده است. جمهوری اسلامی در عین حال به موازات تشدید بحران و نزاع‌های درونی خود فشارهای سیاسی و اقدامات سرکوبگرانه علیه کارگران، علیه فعالان و تشکل‌های کارگری، علیه نویسندگان، زنان، معلمان و دانشجویان را شدت بخشیده است. بازداشت و شکنجه فعالان کارگری در تهران و تبریز و سنج، بازداشت و شکنجه رهبران دو سندیکای شرکت واحد و هفت‌تپه، تشدید فشار بر کارگران زندانی، یورش وحشیانه به اجتماعات کارگری در اول ماه مه، حمله به نشست کارگری در کرج، تشدید بیش از پیش فشار بر زندانیان سیاسی، افزایش اعدام‌ها و اعدام در ملاء عام، سرکوب گسترده و تحقیر روزمره زنان به بهانه حجاب، نمونه‌هایی از تشدید سیاست‌های ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم است.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی نیز جدا از سیاست‌های ارتجاعی داخلی آن نبوده و مشکلات متعددی را برای کارگران و سایر اقشار زحمتکش مردم ایران به بار آورده است. جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت پان‌اسلامیست، از همان نخستین روزهای حیات خود، چنین رسالتی را برای خویش قائل بوده است که اسلام و مدل حکومت اسلامی در ایران را به تمام جهان صادر و جهانی اسلامی تحت رهبری خود ایجاد کند. از اینرو در طی تمام دوران حیات خود، در حال دسیسه و تلاش برای نفوذ در کشورهای منطقه بوده و آشکار و نهان به دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم در کشورهای دیگر به ویژه کشورهای منطقه خاورمیانه پرداخته است. جمهوری اسلامی به منظور ایجاد و تقویت گرایش‌های اسلام‌گرای ارتجاعی و شیعی‌گری، تقویت گروه‌هایی مانند حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی و نظیر این‌ها، حداکثر تلاش خود را به کار بسته و از هیچ‌گونه کمک مالی، تسلیحاتی و انسانی به آنها دریغ نکرده است. هدف مقدم جمهوری اسلامی از این سیاست، کسب برتری سلطه‌طلبانه در منطقه بوده است. این سیاست خارجی پان‌اسلامیستی، البته از همان آغاز در تضاد و تقابل با سیاست امپریالیسم آمریکا و متحدین آن قرار داشته که آن‌ها نیز در پی اهداف و مقاصد اقتصادی و سیاسی خود، سیاستی توسعه‌طلبانه را در منطقه خاورمیانه تعقیب می‌کنند. این تضاد و تقابل، که در سه دهه روند شدت یابنده‌ای را طی کرده است، طی یکسال اخیر به حد بی‌سابقه‌ای تشدید گشته و تنش‌های شدیدی

را نیز در پی داشته است. روندی که در عین حال ایزوله شدن جمهوری اسلامی در میان کشورهای منطقه، تشدید اختلاف و بعضاً تقابل با این کشورها را نیز در پی داشته است. این تضاد و تقابل، اکنون به مرحله بسیار حاد و تعیین کننده‌ای فرا رفته است. از آبان سال ۹۰ که با تصویب سه قطعنامه در نهادهای بین‌المللی و اعمال یک رشته تحریم، فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه رژیم تشدید گردید، جمهوری اسلامی پس از یک دوره قطع مذاکرات با گروه کشورهای ۵+۱، بار دیگر و پیش از آنکه تحریم خرید نفت ایران توسط اتحادیه اروپا به مرحله اجرا گذاشته شود، به پای میز مذاکره رفت. اما همان‌طور که از قبل قابل پیش‌بینی بود و تجارب پیشین نیز نشان داده بود، این مذاکرات حاصلی به بار نیاورد و از تنش میان جمهوری اسلامی و آمریکا و اتحادیه اروپا نکاست. اجلاس نمایندگان جمهوری اسلامی و گروه کشورهای ۵+۱ در فروردین سال جاری در استامبول، اجلاس بغداد در اوائل خرداد و سرانجام اجلاس مسکو در ۲۹ خرداد، با شکست و بن‌بست روبرو گردید. دیپلماسی شکست خورده‌ی مذاکره و سازش برای حل اختلاف، بار دیگر بی‌ثمری خود را عیان ساخت! شکست مذاکراتی که دو طرف منازعه کم و بیش به آن دل بسته بودند، بر وخامت اوضاع افزود. تحریم‌های بیشتر، جدی‌تر و خردکننده‌تری به مرحله اجرا گذاشته شد. جمهوری اسلامی تحت فشارهای بیشتری قرار گرفت. نزاع و اختلاف فی‌مابین بیش از پیش تشدید گردید و احتمال بروز اقدامات جنگ افروزانه را تشدید نمود. بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا از روز یکشنبه ۱۱ تیر ۹۱ واردات نفت خود از جمهوری اسلامی را به حالت تعلیق درآوردند. برخی کشورهای دیگر مانند کره جنوبی، چین، هند، ژاپن، سنگال، مالزی و کنیا نیز تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا و متحدین اروپائی آن میزان خرید نفت خود را کاهش داده‌اند. تحریم بانکی و مبادلات تجاری و ارزی نیز مانع آن شده است که جمهوری اسلامی بتواند پول نفت به فروش رسانده خود را وصول کند!

بلافاصله پس از اجرای مرحله جدید تحریم‌ها که معنای آن اعمال فشارهای اقتصادی و مالی فلج‌کننده علیه جمهوری اسلامی است، حملات و تهدیدات لفظی جمهوری اسلامی افزایش یافت و مقامات و نهادهای وابسته به حکومت، بار دیگر از بستن تنگه هرگز سخن به میان آوردند. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی از توان جمهوری اسلامی برای کنترل تنگه هرگز سخن به میان آورد و گفت در صورتی که صادرات نفت جمهوری اسلامی نا امن شود، قطعاً تنگه هرگز برای سایر کشورها نا امن خواهد شد. مجلس ارتجاع نیز در صدد برآمد طرحی به این منظور به تصویب برساند. سپاه پاسداران در رزمایش سه روزه خود، ده‌ها فروند انواع موشک با برد کوتاه و متوسط و دوربرد شلیک کرد. رئیس دفتر نظامی خامنه‌ای و برخی دیگر از سران سپاه و مقامات رسمی رژیم از اقتدار جمهوری اسلامی برای کنترل عبور و مرور محموله‌های نفتی در تنگه هرگز سخن گفتند و رسانه‌های حکومتی نیز در وصف توان موشکی جمهوری اسلامی در هدف قراردادن اسرائیل قلم زدند!

در سمت دیگر، قدرت‌های متجاوز امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم توسعه طلب آمریکا، بر تهدیدات خود افزوده‌اند. رسانه‌های امپریالیستی از قول سران نظامی آمریکا پیوسته هشدار می‌دهند که دولت آمریکا گزینه نظامی را کنار نگذاشته است. همین منابع به نقل از مقامات بلندپایه نظامی آمریکا، از اعزام نیروهای جدید و جنگنده‌های رادارگریز به خلیج فارس به منظور جلوگیری از بسته شدن احتمالی تنگه هرگز و نیز تقویت قابلیت حمله به مناطقی در داخل ایران در صورت بروز درگیری نظامی خبر داده‌اند. نیویورک تایمز به نقل از یک مقام نظامی آمریکا خطاب به جمهوری اسلامی نوشت، فکر بستن تنگه هرگز را کنار بگذارید، ما مین‌ها را جمع خواهیم کرد. فکر فرستادن قایق‌های تندرو به منظور ایجاد مزاحمت برای ناوهای ما و کشتی‌های تجاری را از سر بیرون کنید، ما این قایق‌ها را به اعماق خلیج خواهیم فرستاد!

### کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

این تهدیدات لفظی و لحن تند هشدارهای طرفین، آشکارا حاکی از تشدید بیش از پیش تضاد و اختلاف رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا و اتحادیه اروپاست. تضاد و تقابل سیاست‌های طرفین که در حال حاضر عمدتاً در مناقشه هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم تبلور یافته، اکنون به مرحله حادثی رسیده و احتمال بروز درگیری‌های نظامی را افزایش داده است.

قدرت‌های متجاوز و توسعه‌طلب امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، ماهیتاً جنگ‌طلب و جنگ‌افروزند. این قدرت‌ها اگرچه در حال حاضر ترجیح می‌دهند از طریق تحریم‌های فلج‌کننده، جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی و تسلیم وادار کنند، اما هر روزه، راه نظامی و اعمال قهر برای حل این چالش را روی میز خود پس و پیش و آن را سبک و سنگین می‌کنند! از سوی دیگر بعید است که جمهوری اسلامی در برابر تحریم‌ها، آن‌گونه که طرف مقابل می‌خواهد عقب‌نشینی کند و دست‌هایش را به علامت تسلیم بالا برد. چرا که تسلیم و عقب‌نشینی جمهوری اسلامی به معنای دست برداشتن رژیم جمهوری اسلامی از سیاست خارجی و اهداف پان‌اسلامیست. تسلیم و عقب‌نشینی جمهوری اسلامی، به معنای پایان کار رژیم جمهوری اسلامی در هیأت تاکتونیست. بنابراین تن زدن جمهوری اسلامی از عقب نشینی، درکنار جنگ افروزی امپریالیستی، احتمال درگیری نظامی را بالا می‌برد. علاوه بر این، تحریم‌های جدید، سوای اثرات مخرب آن بر زندگی مردم، معنایش قطع منبع اصلی تغذیه تمام دستگاه اداری و ماشین‌سازد و درگیری‌ها و نزاع درونی آن را نیز تشدید می‌کند. مجموعه این شرایط حکومت اسلامی را با بن‌بست مرگباری روبرو ساخته و این بن‌بست حکومتی نیز به نوبه خود ماجراجویی آن را تقویت نموده است.

### کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

تداوم و تعقیب سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی برای حفظ و گسترش منافع و امیال خود از یکسو، ادامه سیاست امپریالیستی دولت آمریکا و متحدین آن برای تأمین و گسترش منافع اقتصادی و سیاسی از سوی دیگر، به ویژه بعد از اجرای تحریم‌های جدید و شکست مکرر دیپلماسی مذاکره و سازش بر سر اختلاف‌ها، احتمال بروز درگیری‌های نظامی و خطر وقوع جنگ را

بار دیگر افزایش داده است. چنین جنگی مستقل از آنکه چه کسی جرقه آن را روشن کند و مستقل از آنکه ماجراجویی ارتجاع اسلامی یا اقدام جنگ‌طلبانه ارتجاع امپریالیستی آغازگر آن باشد، جنگی ست بسیار وحشتناک و ارتجاعی که برای توده‌های مردم، فجایی بس بزرگتر از فجایع جنگ ۸ ساله ایران و عراق به بار خواهد آورد و تمام مردم منطقه در آتش آن خواهند سوخت. تمام کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی باید حساسیت و هوشیاری خود را دوچندان سازند و از بروز این فاجعه جلوگیری نمایند. باید جلوی وقوع چنین جنگی را گرفت و خطر آن را از سر مردم دور ساخت! اکنون کسانی پیدا شده‌اند که با تکیه بر ماهیت به غایت ارتجاعی و خصلت مذهبی و سرکوب‌گرانه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، راه نجات مردم را، دخالت قدرت‌های امپریالیستی و تغییر رژیم توسط این قدرت‌ها می‌دانند و در این راه تلاش و تبلیغ می‌کنند. اینان در نقش همدست امپریالیسم عمل می‌کنند و در پوشش نجات مردم ایران از شرّ جمهوری اسلامی و استقرار آزادی و دموکراسی از "دخالت بشردوستانه" قدرت‌های امپریالیستی و به عبارت صریح‌تر از حمله نظامی آمریکا و متحدین آن به ایران و برافروخته شدن یک جنگ ارتجاعی دفاع می‌کنند. روشن است که این‌ها، مستقل از آنکه خود را چه بنامند، عاملین امپریالیسم‌اند و همچون جمهوری اسلامی دشمنان مردم ایران هستند. امپریالیسم در هیچ کجا و هیچ زمانی آزادی و دموکراسی برای مردم به ارمغان نیاورده است. برعکس همواره و در همه جا، دشمن آزادی و رهائی کارگران و زحمتکشان بوده است. امپریالیسم، جز جنگ و ویرانی، جز اختناق سیاسی و اسارت ملت‌ها ارمغان دیگری نداشته است. وضعیت عراق، افغانستان و لیبی گواهی روشن بر فجایعی است که امپریالیسم و قدرت‌های امپریالیستی به بهانه رهائی مردم این کشورها از سلطه دیکتاتورهای، به بار آورده است. در برابر این‌ها، گرایش دیگری و کسان دیگری هستند که با تکیه بر خوی و خصلت جنگ‌طلبانه امپریالیسم و سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه آن، به بهانه مبارزه با امپریالیسم و زیر چتر مبارزه ضد امپریالیستی، عملاً دفاع از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را پیشه کرده‌اند. این‌ها نیز مستقل از آنکه خود را چه بنامند، از دوام جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضد مردمی آن دفاع می‌کنند و عاملین و همدستان ارتجاع اسلامی محسوب می‌گردند و همچون امپریالیسم، دشمن کارگران و زحمتکشانند. هر کس این را می‌داند که بقاء و دوام رژیم جمهوری اسلامی به معنای دوام و بقاء سیاست‌های ارتجاعی، ادامه و تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه کارگران و زحمتکشان و بقاء شرایط فلاکت‌باری است که رژیم بر آن‌ها تحمیل نموده است. جنگ و دخالت امپریالیستی نیز معنایش کشتار و ویرانی در ابعادی گسترده و بس فاجعه‌بار است. روشن است که منافع کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم ایران نه در حمله نظامی به ایران است و نه در دفاع از جمهوری اسلامی! منافع کارگران و زحمتکشان نه از این بیراهه‌ها، بل درست در نفی توأمان این تاکتیک‌ها و در نفی همزمان ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی است.

### کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

پاسخ درست و تاکتیک اصولی برای از میان برداشتن تحریم‌ها و تمام نابسامانی‌های موجود، دخالت مستقل و انقلابی طبقه کارگر و عموم زحمتکشان است. کارگران باید خود به‌پا خیزند و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به قیام و انقلاب روی آورند. تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق قیام و انقلاب است که کارگران و زحمتکشان قادرند در همان حال که خود را از شرّ رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی و مصائبی که این رژیم به بار آورده است، نجات می‌دهند، خطر جنگ و مصائب بی‌شمار آن را نیز خنثا می‌کنند. تنها با انقلاب است که می‌توان ارتجاع حاکم را برانداخت و تمام سیاست‌های پان‌اسلامیستی و توسعه‌طلبانه را یکجا با خود رژیم به گور سپرد. تنها انقلاب است که ماجراجویی‌ها و نزاع‌های کوچک و بزرگی را که می‌تواند به بهانه‌ای برای تحریم و یا دخالت نظامی قدرت‌های امپریالیستی و برافروخته شدن جنگی ارتجاعی تبدیل شود، از میان برمی‌دارد. همه کمونسست‌ها و انقلابیون دوشادوش کارگران و زحمتکشان باید انقلاب را بدیل تحریم و جنگ قرار دهند. جز انقلاب که یگانه تاکتیک صحیح و راه مستقل طبقه کارگر است، جز انقلاب که یگانه راه تحقق مطالبات کارگران و زحمتکشان است، جز انقلاب که یگانه راه رسیدن به رفاه و آزادی است، هیچ راه دیگری و نجات دهنده دیگری وجود ندارد. پس پیش به سوی انقلاب! باشعار مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد انقلاب! پیش به سوی انقلاب.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

تیرماه ۱۳۹۱

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی